

سردرهای شاهانه برای قدرت‌نمایی

موقعیت:
کاخ گلستان و
کاخ مرمر

موضوع:
سردر کاخ‌ها
و عمارت‌های
درباری

سردرها با کتیبه‌های خاص و باشکوه یکی از مشخصه‌های اصلی قصرهای سلطنتی در تهران بوده است. سردرهای عمارت‌های اشرافی و کاخ‌های تهران از نظر معماری فراتر از یک سردر ساده بودند. اوج این نماها در کاخ‌های دوران قاجار پایتخت دیده می‌شود.

عبدالحسن میرعمادی، عضو هیأت‌مدیره انجمن مفاخر معماری ایران در این باره می‌گوید: «سردر عمارت‌های سلطنتی به یک عمارت با ورودی کوچک تبدیل می‌شدند. اغلب جایگاهی برای جلوس شاه داشتند تا از طریق آن شاه بتواند بیرون را تماشا کند. در عهد قاجار شاهان برای کاخ‌های خود سردرهای باشکوه



می‌ساختند؛ جایی که نشان از قدرت آنها داشت. از جمله سردرهای مطرح تهران سردرهای کاخ گلستان هستند که در تاریخ معماری پایتخت ماندگار شده‌اند. «کاخ‌موزه گلستان با قدمتی بالغ بر ۴۴۰ سال، یکی از منحصر به فردترین مجموعه‌های تاریخی تهران است. این کاخ چندین سردر داشت. عمارت سردر مدخلی برای ورود به دیوان خانه تخت مرمر بود و در دوره ناصری بازپیرایی شد. شاه از طبقه بالا به تماشای مراسم مختلف در میدان ارگ می‌نشست. در سردر جنوبی این عمارت اتاق بی‌در و پنجره‌ای وجود داشت که همه‌روزه چندین بار در آنجا، نقاره‌چیان شاهی، طبل یا بوق و کرنا و نقاره‌های خود را به صدا درمی‌آوردند و سنت دیرین سلطنتی ایران را اجرامی کردند.

او درباره سردر الماسیه کاخ گلستان می‌گوید: «سردر الماسیه به سردر باب همایون معروف بود. این سردر توسط علاءالدوله که منصب فرارش باشی را نیز بر عهده داشت ساخته شد. سردر الماسیه، دارای بالاخانه‌ای بود که ناصرالدین‌شاه در هنگام مراسم جشن و آتش‌بازی در آنجا می‌نشست.» از زیباترین سردرهای کاخ گلستان که امروز باقی‌مانده است سردری است که به خیابان ناصریه (ناصر خسروی امروز) باز می‌شد؛ سردر باشکوهی که بالاخانه آن تالار آینده‌ای برای جلوس شاه داشت. استاد میرعمادی از سردر معروف کاخ مرمر یاد می‌کند و می‌گوید: «کاخ مرمر یکی از کاخ‌موزه‌های تاریخی تهران و از آثار دوره پهلوی اول است. از جاذبه‌های این کاخ سردر ورودی آن بود که به‌صورت تلفیقی از شیوه پارسی، اصفهانی و سبک نئوکلاسیک غربی طراحی شد و ۲ مجسمه سرباز هخامنشی در دو سوی ورودی قرار داشت.»



موضوع:
پررئسی
کتیبه‌ها و سردر
خانه‌های پیروان
ادیان

موقعیت:
تهران قدیم
(اودلاجان و
سی‌تیر)

نماد، از یک سونشان دهنده انسانی است که می‌خواهد راه خود را انتخاب کند و از طرف دیگر نشان دهنده این موضوع است که اهورا مزدا، به هر روح انسانی اختیار داده تا بین خیر و شر انتخابگر باشد. در محله‌های قدیم تهران مانند اودلاجان یا خیابان سی‌تیر هم می‌توان تعداد زیادی تابلوی لاجوردی را که به ۳ جمله گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک مزین شده دید. همچنین در بالای سردر ورودی برخی از خانه‌ها نوشته شده «خشنوتره اهوره مزدا» به معنای خشنودی اهورا مزدا. یا برخی دیگر از نماد و نشان‌های مذهبی برای زیباتر شدن ورودی خانه بهره برده‌اند. طرح گاو در فرهنگ زرتشتی به‌عنوان نماد ۴ گوشه جهان کاربرد داشت یا درخت انگور و شاخه‌ها و برگ موی حک شده بر سردرهای نمادهای خوش‌شانسی محسوب می‌شدند و بسیار محبوب بودند. تا قبل از تغییر مصالح و سازه کتیبه‌ها به سنگ و کاشی، استفاده از آجر خشتی و تراش دادن آن برای ساخت و زیبایی بیشتر سردرها معمول بود.»



تفاوت خانه‌های دولت‌مردان با علما و فضلا

موش یا استفاده شده است.» این تهران‌پژوه از تعدادی از این سردرهای ویژه خانه‌های مشاهیر تهران قدیم یاد می‌کند و توضیح می‌دهد: «سردر خانه تیمورتاش یکی از زیباترین سردرهاست. در خانه احمد قوام بیش از ۴۰ آجرنما با اشکال مختلف وجود دارد. سردر خانه سرهنگ ایرج از نمونه این سردرهای معروف است. سردر خانه سرهنگ ایرج با اضلاع هشتی به یکی از حیاط‌های اندرونی راه داشت و در اصلی به حیاط اصلی می‌رسید. البته سردر خانه مدرس هم از جمله سردرهای زیبا اما ساده خانه مشاهیر است.» حدادی همچنین درباره دیگر اقشار معروف تهران قدیم هم می‌گوید: «عموماً چهره‌های فرهنگی خانه‌های ساده‌تری داشتند. برای مثال دکتر «ارسطو علاج» در محله سرچشمه، «موسی خان حکیم» و دکتر «عبدالله خان احمدی» خانه‌هایی ساده داشتند که حتی سردر هم نداشت.»

زیادی داشتند. سردر خانه‌های این افراد عموماً آجربندی و قطاربندی‌های زیبا داشت. قطاربندی در واقع ردیف شدن آجر نماها در کنار هم بود که به آن قطاربندی می‌گفتند و در نمای بیرونی آن روی کاشی اکثراً آیات و روایات قرآنی را می‌نوشتند یا از طرح‌های شمسه استفاده می‌کردند. آن زمان اغلب ورودی خانه‌ها را به صورت هلالی می‌ساختند. این درها اغلب شیشه‌خور بودند که با نصب کتیبه و سردر در بالای آن زیبایی نمای ورودی آن چند برابر می‌شد. متأسفانه امروز درهای چندان زیبایی برای ورودی معماری‌ها ساخته نمی‌شود. البته به این موضوع هم باید توجه داشت که این سردرها در بعضی خانه‌ها هشتی، نیم‌هشتی و چهار تایی بودند و نمونه‌های آن در محله سنگلج فراوان دیده می‌شود که در آنها از سبک‌های یزدی کاری و آجربندی و مقرنس‌های



موضوع:
سردر کاخ
مشاهیر

موقعیت:
اودلاجان،
سنگلج، پامنار

تا قبل از پهلوی اول اغلب سردرها و کتیبه‌ها مجلل و برگرفته از آیات و روایات قرآنی بود اما به مرور، با توجه به تغییر سبک زندگی و فرهنگ غالب آن دوران، گرایش آشکاری به سبک باستانی و استفاده از نمادهای ایران باستان در سردر منازل داشتند. به مرور زمان و در دوره پهلوی دوم با پررنگ شدن سبک معماری غربی، تزئینات و نماهای ورودی چهره عوض کرد و کتیبه‌ها به تدریج از ورودی منازل حذف شدند. برای مثال، یکی از زیباترین سردرهای دوره پهلوی دوم مربوط به خانه پروفیسور حسایی است که به شعری از سعدی مزین شده است. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه در این باره می‌گوید: «اغلب ثروتمندان و متمولین به‌ویژه مردان سیاست و دربار به داشتن خانه‌های زیبا با سردرهای آنچنانسی تمایل

